

## جنگ روس و ژاپن بروایت ایرانیان

- اول خبری که در شربورگ شنیدیم، حمله ژاپن به پرت آرطور بود
- در مکه، خبر فتح پُرت آرطور رسید
- در مدینه از شکسته شدن کشتی‌های روسی صحبت بود
- در مکه درخواست کردم ایران را به استقلال ببینم (از سفرنامه مکّه حاج مخبرالسلطنه هدایت)

### احوال ایران در این روزگار

ایران در آغاز قرن بیستم یکی از دوره‌های پُرتنش تاریخی خود را می‌گذراند و به بحران نزدیک می‌شد. درین میان پادشاه قاجار و درباریان‌ش بجای دریافتن نیازهای زمان، و حتی بی‌اعتنا به مصلحت و آینده خود، غرق در خور و خواب و خشم و شهوت بودند. نویسنده تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، احوال این دوره را چنین شرح می‌دهد: بعد از شکست از روسیه و بسته شدن پیمان ترکمانچای (۱۸۲۸) ایران زیر فشار دو رقیب نیرومند درآمد. «دو دولت روس و انگلیس برای رسیدن به منظور خود، که تحکیم قدرت در آسیا و بنابراین تضعیف ایران بود، به همان ابزار سیاسی که در اصطلاح، نفوذ مسالمت آمیز، فساد را در کشور رواج دادند... روس و انگلیس در تخریب بنیه مالی ایران کار را به جایی رساندند که دولت ناچار دست نیاز به سوی آنان دراز کرد.» این دو دولت با شرایط سخت و سنگینی وام می‌دادند و در برابر آن هرگونه امتیاز می‌گرفتند. «ناصرالدینشاه که ابتدا خیال می‌کرد شاهنشاه است، کم‌کم مطلب دستگیرش شد. وی در نامه‌ای به ملکم، وزیر مختار ایران در لندن، وضع خود را چنین بیان کرده است: دولت ایران میان رقابت دولتین انگلیس و روس گیر کرده است. هرکاری مبنی بر صرفه و صلاح و آبادی خودمان در جنوب ایران بخواهیم بکنیم، دولت روس می‌گوید برای منافع انگلیس می‌کنید... در شمال و مغرب و مشرق ایران اگر بخواهیم چنین کارهایی بکنیم، انگلیس‌ها می‌گویند بملاحظه منافع روس و اقدام به این کار کرده و می‌کنید. تکلیف ما مشکل شده است و روز بروز مشکلتر خواهد شد. پس یکمرتبه روس و انگلیس بیایند و بگویند دولت ایران مستقل نیست!»<sup>۱</sup>

مهدیقلمی هدایت (حاج مخبرالسلطنه) می‌نویسد: «در هر موقع از تمامیت و استقلال ایران صحبت می‌شود گانه شک داریم. ناصرالدینشاه هم این لفظ را بزبان آورد اما بلحن دیگر: بمیرزا حسین خان [سپهسالار] نوشت از سفارتین پیرس مگر ما مستقل نیستیم چرا در کارهای ما مداخله می‌کنید؟»<sup>۲</sup>

۱- یحیی آبرین پور، از صبا تا نیما - تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، تهران، ۱۳۵۵ (چاپ سوم) ج ۱، ص ۴-۲۳۳.

۲- مهدیقلمی هدایت (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۲۹، ص ۴۵۱.

ناصرالدینشاه، بعد از نیم قرن پادشاهی مطلقه و دادن امتیازهای فراوان به بیگانگان در روز جمعه ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ (مه ۱۸۹۶) در حرم شاه عبدالعظیم با گلوله میرزا رضا کرمانی، از شیفتگان سید جمال‌الدین اسدآبادی داعی اتحاد اسلام، کشته شد. میرزا رضا در بازپرسی علت این اقدام را خرابی کشور و ظلم و جور حکام و شیوع فساد و وجود هیئت خائن بیان کرد و از اینکه امتیازهای زیاد به خارجیا داده شده و مملکت مسلمانها به دست اجنبی خواهد افتاد، اظهار نگرانی نمود و گفت: «پادشاهی بود نتیجه کارش خرابی و تباهی کشور و رجال مکبش ارادل و اوباش، چنین شجر را باید قطع کرد که دیگر این نوع ثمر ندهد.»<sup>۳</sup>

مظفرالدینشاه، جانشین ناصرالدینشاه، بهتر از پدر خود نبود و با ضعف نفس او نابسامانی اداره کشور هرچه بیشتر شد. در این میان سفرهای مکرر شاه به اروپا بیهانهٔ معالجه و باغواي درباریان عشرت طلب، وضع مالي کشور را بدتر و مردم را نومیدتر کرد. بقول مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان: «در سال ۱۳۲۳ باز تدارک سفر سوم اروپا دیده شد - و این مسافرت در بحبوحه جنگ اقصای شرق و روس شد... با این همه، در این سفر بیش از پیش آثار هیجان در مردم بلاد و اهالی دربار [یعنی پایتخت] نمایان گردید. از آغاز جلوس همایونی هر وقت دربار دست تنگ شد بقیهٔ خالصه جات و جواهرات نادری و غیره هم بفروش رسید و از این مبلغ هنگفت و پنجاه و اندک روپیه قرض یک شاهي به صرف ملک و ملت و دولت نرسید، علاوه نیز سالی چند کرور از گمرک و مالیات و عوارض تازه بر رعایا تحمیل شد.»<sup>۴</sup>

روس و انگلیس هر روز در رقابت با یکدیگر امتیازهای تازه می‌خواستند. براون می‌نویسد که گرماگرم ناآرامی مردم، موافقتنامهٔ تجاری ایران و روس که در اوایل سال ۱۹۰۳ امضاء شد، واردات از انگلیس و بخصوص چای هند را سخت محدود ساخته بود و کنوانسیون بازرگانی ایران و انگلیس که در ۹ فوریه امضاء و در ژوئیه ۱۹۰۳ منتشر شد این تنگنا را تا اندازه‌ای چاره کرد.<sup>۵</sup>

در این میان، میرزا علی اصغرخان اتابک، صدراعظم، که به داشتن تمایل روس خواهی مطنون بود، تازه برکنار شده و جای خود را به عین‌الدوله سپرده بود. مظفرالدینشاه صدراعظم معزول را مانع اصلاحات خواند<sup>۶</sup> تا جلب قلوب مخالفان را کرده باشد، اما پیداست که در برکناری او مبارزهٔ دو قدرت رقیب در کار بوده است. هاردینگ وزیر مختار وقت انگلیس در تهران در کتاب خاطراتش در سخن از مجتهدان شیعه می‌نویسد که آنها «در این اواخر سوءظن خود را از تمایلات روس خواهی صدراعظم و ارباب تاجدارش مظفرالدینشاه صریح و بی‌برده ابراز کرده‌اند»<sup>۷</sup> و نیز درجای دیگر می‌گوید: «از لحاظ احساسات شخصی با اینکه صدراعظم (امین السلطان) قلباً تمایل به روسها نبود، ولی شرایطی که به قرارداد وام (مأخوذ از روسها) الحاق شده بود... او را در موقعی بس دشوار قرار داده بود. بموجب این پیمان... دولت ایران رسماً قبول کرده بود که در آتیه از هیچ دولتی جز روسیه

۳-یحیی آبرین پور، ۱: ۲۲۵.

۴-ناظم الاسلام کرمانی: تاریخ بیداری ایرانیان: بخش اول، باهتمام سعیدی سیرجانی، انتشارات آگاه - نوین، تهران، ۱۳۶۲.

۶- ناظم الاسلام کرمانی، ص

۷- سیر آرثور هاردینگ (Sir Arthur Harding) خاطرات سیاسی، ترجمهٔ جواد شیخ‌الاسلامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران،

تراری قرض نگیرد و وجود این ماده در پیمان رسمی وام، نفوذِ روسها را در دستگاه حکومت ایران فوق‌العاده تشدید کرده و بالا برده بود.<sup>۸</sup>

مهدیقلی هدایت دربارهٔ اوضاع ایران مقارنِ چنگ روس و ژاپن می‌نویسد: «شش دانگ حواس ملوکانه هم متوجه سفر فرنگ است و قافله بی مایه لنگ. قرض باید کرد و اتابک نظر بسابقه مضایقه دارد و شرایطی بمیان می‌آورد که بکار رندان نمی‌خورد»<sup>۹</sup> و از اتابک نقل می‌کند که دربارهٔ کنار رفتن خود گفت: «این استعفا بحال ایران نافع خواهد بود. انگشت خارجه، مضادتِ علما و ایستادگی دولت دور نبود کار را بجای سخت بکشاند. فعلا خیالات متوجه وضعیت جدید خواهد شد. انگلیسها هم با کدورتی که در سر تعرفهٔ گمرک حاصل کرده‌اند، آرام می‌گیرند.»<sup>۱۰</sup>

براون در کتاب انقلاب ایران می‌نویسد که در این هنگام رقابتِ دو دولت در ایران به اوج رسیده بود، «شایعه‌هایی هم دربارهٔ توطئه‌ای از سوی جناح هوادار انگلیس و ضد روس [در دربار] بود... نامهٔ یک خبرنگار روسی از تبریز که در پایان ماه اوت در روزنامه ویسنيک (Viestnik) در هسترخان چاپ شد، می‌گفت که آرامش کونی در ایران، آرامش پیش از توفان است... در ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۳ گفته شد که نارضایی به درجهٔ خطرناکی رسیده است، و امین‌السلطان از نخست‌وزیری استعفا داد. نخست، پنج وزیر برای ادارهٔ کارها گمارده شدند... در ۲۴ ژانویه (۱۹۰۴) عین‌الدوله که بعداً طشت رسوائیش از بام افتاد نخست‌وزیر شد و سه سال، تا اوت ۱۹۰۶، در این مقام ماند.»<sup>۱۱</sup>

از تحولاتی که جنبش مشروطه خواهی فراآورد، رونق گرفتن مطبوعات بود. مطبوعات ایران که پیشتر منحصر به روزنامهٔ دولتی «وقایع اتفاقیه» و چند روزنامهٔ دیگر در تهران و اصفهان و شیراز و تبریز و مشهد بود، تعدد و تنوع یافت و از وسایل عمدهٔ بیدار کردن مردم شد، «جائیکه براون آنرا «قوی‌ترین وسیلهٔ تجدد در ایران» شناخته و در کتاب مفصلی به آن پرداخته است.»<sup>۱۲</sup>

مؤلف «تاریخ بیداری ایرانیان» در فهرست وقایع سلطنت مظفرالدین شاه و در سخن از «تکثر و تعددِ جراید و روزنامه‌ها در این عهد میمنت معهود» از روزنامه‌های این دوره نام برده و جزو روزنامهٔ ایران و اطلاع که می‌نویسد بیشتر بود، ۴۹ روزنامه را در تهران برشمرده است که همه ظاهراً در این دوره بنیاد شد. او از مطبوعاتی که در دیگر شهرها و نیز در خارج از ایران چاپ می‌شده از ۱۷ روزنامه، و از آرمیان جبل‌المتین (کلکته) و حکمت (قاهره) نام برده است.<sup>۱۳</sup> کسروی می‌نویسد: «روزنامهٔ هفتگی جبل‌المتین، که در سال ۱۳۱۱ ه. ق. (۱۸۹۲ م.) در کلکته تأسیس شد، از همه روزنامه‌های آن زمان بزرگتر و بنامتر بود و چون در هندوستان چاپ می‌شد، در سخن راندن آزاد بود و گفتارها دربارهٔ گرفتاریهای ایران می‌نوشت و دلسوزیها و راهنماییهای بسیار می‌کرد و بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه نمود. نویسندهٔ آن، سید جلال‌الدین کاشانی مؤیدالاسلام، به نیکی شناخته می‌بود.»<sup>۱۴</sup> جالب است که کسروی خود صاحب امتیاز نشریه‌ای بود بنام پرچم که نخستین شمارهٔ آن در

۸- همانجا، ص ۲۵.

۹- مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطه)، سفرنامهٔ نثرف به مکهٔ معظمه از طریق چین - ژاپن - امریکا؛ چاپخانهٔ مجلس، تهران،

۱۳۲۴، ص ۳.

۱۰- همانجا، ص ۵-۴.

11- E.G. Browne, p. 108-109

12- E.G. Browne; The Press & Poetry in Modern Persia (Cambridge, 1914)

۱۳- ناظم‌الاسلام کرمانی، ص ۵۳-۶۵.

۱۴- احمدکسروی، تاریخ مشروطهٔ ایران، ۱: ۴۲ (بنقل از بحی آرین پور، ۱: ۲۵۲)

اسفند ۱۳۲۰ (مارس ۱۹۴۲) در تهران منتشر شد و ارگان حزب آزادگان بود. این روزنامه طرفدار گرایشهای آسیائی بود و به ژاپن توجه و علاقه خاص داشت.<sup>۱۵</sup>

### سیمای ژاپن پیش از جنگ

در سالهای پیش از جنگ روس و ژاپن، و تا بالا گرفتن جنبش مشروطه خواهی در ایران و تلاش آگاهان به مسائل و رویدادهای جهان برای آشنا کردن مردم به احوال زمان، شناخت ایران و ایرانیان از ژاپن اندک بود. در ضمیمه تاریخ رسمی دوره قاجار بنام منتظم ناصری نوشته ۱۲۹۸ ه.ق. (۱۸۸۱ م.) زیر عنوان «دولت ژاپن» شرح کوتاهی آمده است: «امپراطور (میکادو): موتس حیث سنش بیست و نه سال، ولیعهد چکاشی فوشیمی نمیا، وزیر اعظم: سانجو، پایتخت: یدو، مذهب: بودا مذهب، جمعیت: شصت و شش کرو و صد و دو هزار نفر.»<sup>۱۶</sup> هیأت سفارتی هم در دوره ناصرالدینشاه از ژاپن به ایران آمد که هدفش بیشتر بررسی بازار ایران برای توسعه صادرات ژاپن بود، اما در تنگنای رقابت و انحصار جویی روس و انگلیس این کار را بسیار دشوار دید. در جلد اول «المآثر و الآثار» تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، که تاریخ رسمی ایران در چهل سال اول عهد ناصرالدینشاه است، درباره این مأموریت در فهرست «کسانی که درین سنین اربعین به سمت رسالت موقته و ایلچیگری موعده مخصوص به دربار دولت علیه وارد گردیده‌اند» همین آمده است که: «و ایلچی دولت فخمیه ژاپن موسوم به یوشیدا مسحرو (ساسهارو یوشیدا) که به همراهی، یوکویاما کوئی جی‌رو، مترجم و فوکاروا نولوش (نوبوشی) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی در ماه شوال سنه هزار و دوست و نود و هفت هجری (سپتامبر ۱۸۸۰ م.) وارد دارالخلافه طهران شده به شرف حضور مبارک نایل گردیدند و تقدیم نامه محبت‌انگیز و تبلیغ پیام مودت امیر عالیحضرت پادشاه مملکت ژاپن کرده اصفاء جواب از طرف قرین الشرف نمودند.»<sup>۱۷</sup>

با اینهمه شهرت اعتلا و پیشرفت سریع ژاپن چندان گسترده بود که امین‌السلطان، صدراعظم معزول را که مصلحت می‌دید چندی از ایران و کشاکش سیاسی در پایتخت دور باشد، وسوسه کرد که بنام زیارت حج روانه سفری به گرد جهان از راه ژاپن شود. یادداشت‌هایی که از حاج مخبرالسلطنه (مهدیقلی) هدایت از همراهان اتابک در این سفر، بیادگار مانده است بینش واحساسات سیاستمداران روشن بین ایران را نسبت به ژاپن و احوال آنروز عالم نشان می‌دهد. هدایت بخش عمده‌ای از سفرنامه‌اش (تشریف به مکه معظمه از راه ژاپن و امریکا) را به دیدار ژاپن اختصاص داده و در کتابهای دیگرش، بخصوص «گزارش ایران، قاجاریه و مشروطیت» و «خاطرات و خطرات» نیز مکرر از دیده‌ها و تجربه‌های خود در ژاپن یاد کرده است.

اتابک و همراهان در روزهای پایان سال ۱۹۰۳، چند هفته پیش از آغاز جنگ، به ژاپن رسیدند و شاهد روزهای حساسی بودند. درباره حال و هوای این روزها هدایت می‌نویسد: «افکار عمومی که از عبارات جدید است، هیجانی دارد» و «مقدمات جنگ روس و ژاپن نفس را گرفته

۱۵- البرل ساتن L.P. Elwell - Sutton مطبوعات ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ (بنقل از: یعقوب آژند، ادبیات نوین ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲)

۱۶- محمدحسن خان اعتمادالسلطنه: (ضمیمه) تاریخ منتظم ناصری تصحیح محمداسمعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران،

۱۳۶۳، ص ۵۶۴.

۱۷- محمدحسن خان اعتمادالسلطنه: المآثر و الآثار، بکوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۳۱.

است. ۱۸ پیش‌بینی او دربارهٔ پایان کار جنگی که می‌رفت آغاز شود، خواندنی است: «اتابک از پشامد جنگ متأسف بود که ژاپن خراب خواهد شد. عرض کردم من ژاپن را فاتح می‌دانم، بچند دلیل: اول دوری میدان جنگ از مرکز روس، دوم عدم رغبت جوانان نظامی روس بچنگ... سیم غفلت امنای روس و مراقبت امنای ژاپن...» او مردم ژاپن را یکپارچه شور و شوق برای جنگ و شکستن حریف می‌بیند. در مهمانی‌ای که در نخستین روز سال ۱۹۰۴ برای آنها ترتیب داده شده است، خواننده‌ای همراه با نوازندگان این سرود را سر می‌دهد: «فردا که جنگ پین ( = ژاپن ) و روس درمی‌گیرد، تو (محبوب من) به میدان می‌روی و من دنبال تو می‌آیم برای بستن زخم مجروحین.» ۱۹

### رقابت قدرتها و این جنگ

در میدان مبارزهٔ امپریالیستی، دولت روسیه در این هنگام با انگلیس و آلمان رقابت داشت. آلمان هم با فرانسه و انگلیس و روسیه رقابت می‌کرد. فرانسه پس از شکست ۱۸۷۱ نهایت دشمنی را با آلمان می‌ورزید، پس با دشمنان آلمان نزدیک شده و با روسیه یک پیمان اتحاد سری بسته بود. آلمان هم با ایتالیا و اتریش اتحاد سه جانبه داشت تا خود را در برابر روس و فرانسه ایمن دارد. انگلیس‌ها بظاهر پیمان و قراری با هیچیک از دو اتحاد نداشتند و به مصلحت روز رفتار می‌کردند، اما در سال ۱۹۰۲ پیمان اتحادی با ژاپن بستند و در جنگ روس و ژاپن، تا جایی که به درگیری با روس‌ها نکشد، آشکارا جانب ژاپن را داشتند.\* وضع فرانسه هم دربارهٔ روسیه چین بود و مبالغه‌هنگفتی به روسها قرض داده بودند. همهٔ این دولتها با وجود جبهه‌گیری میان خود و کمک‌های مادی و معنوی یک طرف درگیر، بیطرفی خود را دادن به کشتیهای روس در بالتیک بود. روزنامهٔ حبل‌المتین در شماره ۵ سپتامبر ۱۹۰۴ (ش ۱۲، س ۱۴) شرحی دارد در «دشواریهایی که برای جهازات بالتیک از عدن تادریای چین در پیش است» و حتی از ناراحتی ژاپن از وعدهٔ شفاهی تجار آلمانی برای ذغال دادن به سفاین بالتیک یاد می‌کند: «ژاپن مصمم است وقتی با آلمان طرف شود که قوای بحری روس را مضمحل یا قریب الاضمحلال نموده باشد... در کینه وری که خمیرهٔ ژاپونیان است برای مقابله با آلمان چندان محتاج بصیر و تهیهٔ اسباب نیستند.»

همان روزنامه پس از گزارش امتناع انگلیس و اسپانیا از فروش ذغال به جهازات بالتیک، بنقل از خبر روتر می‌نویسد: «شکایت ژاپون این است که جهازات بالتیک در سواحل دول بیطرف آذوقه و

۱۸- مهدبقلی هدایت (مخبرالسلطنه): گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، باهنام محمدعلی صرتی، نشر نقره، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۵۸.

\* جالب است که کوروپاتکین وزیر جنگ روسیه تزاری در سالهای منتهی به جنگ و سردارکل روس در بیشتر دورهٔ این جنگ درنامهٔ خود به تزار در اکتبر ۱۹۰۳، چند ماهی پیش از شروع مخاصمات، می‌نویسد که ژاپنی‌ها را نمی‌شود شکست داد مگر اینکه وارد خاک آنها شویم و این هم بسیار دشوار است (صفحهٔ ۱۶۵.۶ خاطرات او)

Kuropatkin; The Russian Army and the Japanese War, A.B. Lindsay (tr.), E.D. Swinton (ed.), Hyperion Press, Westport, 1977.

سرداران روس باهمهٔ شعار دادنها می‌بایست به ضعف‌های خود در این جنگ تا اندازه‌ای آگاه بوده باشند.

۱۹- همانجا، ص ۶۲-۱۶۱.

\* هدایت در شرح سفر باکشتی از پُرت آرتور به چیفو می‌نویسد: «غیر از ما خانمی انگلیسی روی کشتی است که فرانسه و آلمانی و چینی می‌داند و سالها مقیم چین بوده است. خیلی خانم است... بهرحال خانم از جاسوسان زبردست بنظر آمد بعضی عکسها از پُرت آرتور برداشته بود و حال آنکه فِدغن است. دقت‌های جغرافیائی هم کرده بود. نه فقط شفیع عربان کارساز است، جاسوس عربان هم بهتر کار می‌بیند» (سفرنامه...، ص ۲۴)

ذغال و لوازم دیگر گرفته و خود را ساخته و بر قوت خویش می‌افزایند» و «وقایع نگار طمس» (روزنامه Times) از توکیو می‌گذرد که خشم و غضب ژاپونیان مجدداً زیاد شده... دولت فرانسه برخلاف ژاپون آمادهٔ حرب گشته و این امر بر دولت انگلیس لازم است که مداخلت دولت ثالث را از این جنگ بمانع آید» و «دولت فرانسه از اعتراضات ژاپون در انهدام شرایط بی‌طرفی جنگ سخت منتشر پریشان است.» (۱۵ مه ۱۹۰۵) در همین شماره، از روزنامهٔ «استندرد» (Standard) که می‌خواهد رد اتهام از دولت انگلیس بکند، نقل شده است که «ابداً جای حیرت نیست که ژاپونیان از اعانه‌ای که به خصم آنها رسیده برآشفته و ناراضی می‌نمایند - ژاپون در درک منافع و مضار خود ابداً محتاج باغوای خارجی نیست و این تصور که دیگری او را اغوا کرده خطای محض است.»

خبر دیگری که با تاریخ ۸ دسامبر در شمارهٔ ۱۹ دسامبر ۱۹۰۴ حبل‌المتین درج است، در ارتباط با رقابت روس و انگلیس و در میان آمدن نام ایران قابل توجه است: «یکی از جهازات فرانسه که از مارسلن، بندر دریای سیاه رهسپار بود و در اسلامبول جلو او را گرفته محمولاتش را تلاش (= بازرسی) نمودند - منجمله باروط و اسباب حراقه زیاد باسم میسو «نوز» وزیر گمرکات ایران که از اهالی بلژیک است، بیرون آمده و به دنبال این خبر افزوده است: «این تلگراف معلوم نیست که مقرون بصواب یا از پلنیک همسایگان (= انگلیس) است، ولی در هر صورت شاهزاده (عین الدوله) صدراعظم و وزارت خارجهٔ ایران و سفیر کبیر اسلامبول را لازم است که تحقیقات لازمه نموده کشف حالات بطریق شایسته بشود.» اینکه قضیه از سوی دولت ایران پی‌گیری شده باشد دانسته نیست، اما گمان استفاده از پوشش نوز بلژیکی رئیس گمرکات ایران، در ارسال اسلحهٔ فرانسه برای روسها بوده است. این رابطه نیاز به شرح دارد.

وضع تعرفه‌های تازه گمرکی و نصب مأموران بلژیکی برای اجرای آن، که در واقع تضمین وام گرفته شده از روسها بود، از موجبات عهدهٔ آشفتنگی‌ها در ایران و سایهٔ ناآرامی‌هایی شد که سرانجام به انقلاب مشروطه انجامید. انگلیس‌ها از رقابت بانکی روسها و توفیق آنها در جلب نظر شاه و صدراعظم ایران به دادن وام با شرایط دلخواه دولت روسیه و گرفتن امتیاز و زمینه‌یافتن بلژیکی‌ها، سخت ناراضی بودند و در پی به دست آوردن ما به ازائی برای خود. براون در کتابش (انقلاب ایران، ص ۱۰۷ تا ۱۱۱) درینباره تأکید دارد و در موجبات ناآرامی‌ها می‌نویسد: «تا اینجا آثار ناراضائی روزافزونی از ریخت و پاشهای فرایندهٔ شاه و عشق او به سفر خارج، از تعرفه‌های تازهٔ بلژیکی‌ها و کبر و نخوت مأموران بلژیکی، از بهره‌برداری از امتیازهای خارجی داده شده، و از استبداد عین‌الدوله می‌بینیم... چنین می‌نمود که عین‌الدوله (که ابتدا با خارجی‌ها راه نمی‌آمد) بعداً با بلژیکی‌ها و روسها بنوعی کنار آمد، و گذاشت که مسیو نوز (M. Naus) پنج شش مقام مهم را یکجا در اختیار بگیرد، چندانکه در نهایت نه فقط رئیس کل گمرکات، بلکه وزیر پست و تلگراف، خزانه‌دار کل، رئیس ادارهٔ تذکره، و عضو شورای عالی کشور بود... سرانجام «با انتشار عکسی که نوز بلژیکی را در لباس معممین نشان می‌داد، خشم بار آمده از رفتار خودسرانه و مستبدانهٔ مسیو نوز - بخصوص در میان روحانیان - بالا گرفت.»<sup>۲۰</sup>

مهدیقلی هدایت در احوال اینروزها می‌نویسد: «مسیو نوز با روسها داخل مذاکره شده، باعتبار معاهده با مصر که هم از دول کاملهٔ الوداد است تغییری در تعرفهٔ گمرک داده، بصرهٔ انگلیس نبود. اگرچه حاجی محمدتقی شاهرودی آن اصلاح را مفید بحال تجارت نمی‌دانست، بعقیدهٔ من رخنه به

عهدنامه ترکمانچای هر اندازه‌اش فتحی محسوب می‌شود. انگلیس که ناراضماندی انگلیس و اراده مظفردالدینشاه بمسافرت فرنگ و استکفاف اتابک از قرض بدون تضمین مصارف که چون قرضهای اسبق هبأء مشورانشود، کار را به استعفای اتابک کشانید...»<sup>۲۱</sup>

## جنگ افروزان

منابع فارسی، مابۀ این جنگ را خلاف عهد روسیه در تقسیم حوزه نفوذ در خاور دور با ژاپن و طمع فرمانروایان و سرداران روس دانسته است. نمونه این رای را در نوشته ۴ سپتامبر ۱۹۰۵ حبل‌المتین می‌بینیم، که در تفسیر موافقتنامه صلح، و پس از تحسین از ژاپن، «وزرای با انصاف دولت قوی الشکیمة روس» را سرزنش می‌کند که «در صفحه روزگار این جنگ خونریزانه را برپا کردند که تا دنیا برپاست در تیاترها تقلید جنگ ژاپن و روس را بیرون آورده... آیا جنگ طلبان را آیندگان بچه نوع یاد خواهند کرد؟»

تصویر ایرانیان از افزون طلبی دولت تزاری تازه نبود. میر عبداللطیف شوشتری در سفرنامه و خاطرات خود بنام «تحفة العالم و ذیل التحفه» (نوشته سال ۱۲۱۶ هـ. ق.) زیر عنوان «در جولانگری خامۀ برق عنان به ذکر لشکرکشی و سپهداری فرنگیان» چنین می‌گوید: «دیگر جماعت روس اند که به اروسیه مشهور است. مملکت روس اعظم ممالک ربع شمالی، و در عالم پادشاهی نیست که در بسط مملکت با او برابری نماید... هفتاد سال قبل ازین اروسیه مردمان جنگلی و از قبیل حشرات الارض بود. پتر نام پادشاهی که با پادشاه قهار، نادرشاه، معاصر بود... به درستی ریاست و انتظام ملک همت گماشت... عظمت و شوکی که اکنون آن فرقه دارند هیچیک از فرق نصارا را نیست و سلاطین فرنگ از استقلال و شوکت او در پیچ و تاب، و پیوسته از خوف او در لجة اضطراب‌اند... به عدت و شوکت خود مغرور و در صورت مقدور از دست اندازی به ملک هر نزدیک و دور از خود به قصور راضی نشوند.»<sup>۲۲</sup>

حبل‌المتین در شماره ۲۷ فوریه ۱۹۰۵ می‌نویسد: «شالوده اغتشاشات اندرونی روس از عدم رغبت ملت بدین جنگ است که در متن واقع رؤسای جنگی دولت هشارالیها علی العموم و امیرالبحر «الکس اُت» و جنرال «کروپاتکن» خاصتاً ذمه دارند. عجب آنکه در بین همین سردارانی که مؤسس جنگ بوده، پایه اختلاف بدرجۀ قصو است. اغراض شخصی را بر منافع ملت و دولت ترجیح می‌دهند.» همین روزنامه پس از پایان جنگ رأی می‌دهد که «ما به النزاع بر همه معلوم است که حرمین طرفی و عاقبت اندیشی طرف دیگر بوده باعث این حرب گردید» (۴ سپتامبر ۱۹۰۵)<sup>\*</sup>

۲۱- هدایت: خاطرات و خطرات، ص ۳۵-۱۳۴.

۲۲- میر عبداللطیف خان شوشتری: تحفة العالم و ذیل التحفه (سفرنامه و خاطرات)، باهتمام ص. موحد، طهوری، تهران،

۱۳۶۳، ص ۳۷-۳۳۶.

\* یکی از پژوهندگان غربی می‌گوید که بدنبال طفره روسیه از اجرای توافق اکتبر ۱۹۰۲ با ژاپن در واگذاردن کره به آنها، اختلاف ایندو با درمیان آمدن جناحهای سیاسی کره، که فرصت را غنیمت شمردند، تشدید شد، و نیز با حضور گاردهای روسیه و ژاپن در پایتخت کره، تلاش روسیه برای تسلط بر ارتش و مالیه آنجا، کشیده شدن پای وزیر مختار ژاپن در سوؤل در قتل ملکه،

در گفتگوهایی که تا چند روز پیش از جنگ میان دو دولت روسیه جریان داشت، روسیه سرسختی نشان داد. دولت ژاپن در یادداشتی که روز ۵ فوریه ۱۹۰۴ به دولت روسیه داده شد، اعلام تمایل به قطع روابط دیپلماتیک کرد، و حق هرگونه اقدام برای حفظ و دفاع از منافعش را محفوظ شناخت. مخاصمات بوسیله ژاپن در پرت آر تور و چامپو (Chamulpo) در ۶ فوریه، دو روز پیش از اعلان رسمی جنگ، آغاز شد. هدایت که یکماه پیش ازین تازیخ در توکیو بوده است، می نویسد: «میستر تفت امریکائی حاکم فلیسین بتوکیو آمد که بسمت وزارت جنگ بامریکا برود. چهارم ژانویه به توکیو وارد شد. احترامات فوق العاده از او کردند و پیدا بود که برای تصمیم قطعی جنگ منتظر او هستند. در دو روز توقف او صحبت گرم تر شد.

در روز پنجم ژانویه وزیر خارجه دو نوبت بین امیراتور و مارکی ایتو آمد و شد کرد. شب ششم وزیر خارجی شامی بافتخار تفت داد. از اتابک (میرزا علی اصفرخان، امین السلطان) هم دعوت نمود... برای ساعت نه مجلس برهم خورد. وزیر مختار امریکا گفت: امر است که امشب وزراء متفرق نشوند مگر اینکه تصمیم جنگ و صلح را قطعا بگیرند. میهمانان همه رفتیم و روز دیگر خبر جنگ منتشر گشت. ۲۲ البته در فاصله این یکماه ازین تاریخ تا آغاز جنگ مذاکرات تازه ای هم بوسیله وزیر مختار ژاپن در پایتخت روسیه انجام شد که به نتیجه نرسید.

### شکست های روسیه

اندکی پس از درگرفتن جنگ، موج شکست های روسیه از نیروهای ژاپن جهان را به شگفت آورد. عبدالله مستوفی در یادداشتهايش وضع جنگ را چنین شرح می دهد: «تمام وقعه ها بنفع ژاپونها تمام می شود. کوروپانکین سرکرده روس که هنگام عزیمت از مسکو گفته بود عنقریب در توکیو عقد مصالحه را خواهد بست در مقابل قشون ژاپن فرسخ بفرسخ عقب می نشینند. در جنگ بحری هم ژاپونها بعد از غرق کشتی امیرال نشین روسی که امیرال ماکارف هم در جوف آن بود، دهنه خلیج پرت آر تور (Port Arthur) را بوسیله غرق کردن چند تا از کشتیهای بیمصرف خود سد و باقی قوای روس را در این بندر حبس کردند و از کار انداختند و با خیال راحت در اطراف این بندر قشون پیاده کرده آنجا را محاصره نمودند.

ژانرال استیل عبث از این بندر دفاع می کرد، بخصوص که در جنگهای بری مانند موکدن (Mukden) و لیائو یانگ (Liao Yang) شکستهای اساسی بقشون روس وارد آمده اسیر و غنیمت زیاد بجنگ ژاپونها افتاد. دیگر امیدی به پیشرفت روسها نبود. کوروپانکین را معزول کردند و جانشین او لینویچ (Linovith) از او خوشبخت تر نشده نتوانست در خاربین (Kharbine) جلو پیش آمدن قشون

→

فرار پادشاه از حفاظ ژاپنی ها به محل نمایندگی روسیه، سرانجام در بهار سال ۱۹۰۴ کار به جنگ کشید.

روسیه حساب موقع را کرده بود که خودداری از اجرای موافقتنامه با ژاپن با تکمیل راه آهن شرقی چین - که مسکو را به پرت آر تور می پیوست - همزمان باشد و بدینال سیاسی تحریک آمیز بود. ونه Cont De Witte نماینده نزار در مذاکرات صلح، در خاطراتش نزار را مستقیماً مسؤول این رویه که آنرا «ماجرای خاور دوره می نامد، دانسته است. نزار در این هنگام در نفوذ چند افسر فاند اصول درآمد که او را تشویق به درگیر شدن با ژاپن کردند، نگاه کنید به:

Gubbins John. H., The Making of Modern Japan; Books for Library Press, NY, 1977.



ژاپن را بگیرد.<sup>۲۴</sup> عواملی هم در میان بود که خواه ناخواه بزیان روسیه کار می‌کرد، یکی از اینها راه آهن منچوری بود که روسها سرمایه‌گذاری فراوان در آن کرده بودند و اینک خود را ناچار به دفاع از آن می‌دیدند. ژنرال کورویا تکین منچوری را با ۱۰۰۰/۰۰۰ سرباز و حدود ۲۵۰ توپ ضحرایسی نگهداشته بود، او اسیر و گرفتار خط آهن بود و نمی‌توانست از آن جدا شود.<sup>۲۵\*</sup>

حبل‌المتین در شماره ۱۴ نوامبر ۱۹۰۴ با ذکر این که «کسی را نمی‌رسد که درباره جنگ حالیه پیش‌گویی نماید» در تفسیری زیر عنوان «یکی از رجال با دانش می‌گوید» نوشته است: «خیالات روسیان درباره ژاپن تغییر کلی کرده بنحوی که پس از رسوائی و شکستهای پی در پی و خسارتهای گوناگون، از تحریرات و تقریرات متهورانه سابق خود نادم و پشیمان گشته بزبانهای مختلف عذرخطاهای گذشته خود را می‌خواهند - و نیز هیبت و سطوت ژاپن بنحوی در دل‌هایشان جایگزین شده که جرئت اینکه بگویند جنگ بدخواه ما خواهد شد ندارند و به‌لیت و لعل روزگار می‌گذرانند. گاهی دل خود را بآن خورسند می‌نمایند که چنانچه سابق براین پس از دو بیست سال تسلط تاتار و مغول بر ممالک روسیه، روسیان متفق شده مملکت خود را بقوت اتحاد از قبضه اقتدارشان بیرون کردند، حال نیز ممالک منچوریا را که ژاپون از قبضه روس خارج و بتصرف خود آورده مجدداً خواهند گرفت و نام ژاپون را از صفحه هستی محو خواهند کرد.

«لکن... مغولانی که روسیه توانستند از بلاد خود خارج کنند و ملکشان را از چنگشان بیرون آرند، جماعتی بودند وحشی و بی‌عقل و دانش، عاری از سیاست و تمدن و کیاست، با دل‌های مملو از نفاق و خودپسندی و نفسانیت، آرام طلب، راحت دوست، شهوت پرست. برعکس ژاپونیان که لذت وطن دوستی و قومیت و مزه برادری و نوعیت را چشیده و شاهد اتفاق و اتحاد شیرینی ملک‌گیری و کشورستانی و ترقی دولت و ملت در گلویشان چکیده...»

همین روزنامه در ۲۳ ژانویه ۱۹۰۵ زیر عنوان «تلگرافات»، بنقل از خبرنگارها، می‌نویسد: «اعلیحضرت میکادو امپراتور ژاپون تلگرافاً جنرال نوگی و اردوی سوم او و امیرالبحر توگو و قشون بحری وی را درباره فتح بندر آرتهر تبریک فرموده، تمجید زیاد از جانفشانیهایشان نموده است.» «بین صحبت، جنرال استاسل از وضع شلیک و نشانه ژاپونیان تمجید نموده، اسب خود را که در میدان جنگ بر او سوار می‌شده جنرال نوگی تقدیم کرد...»

روزنامه حبل‌المتین در سراسر مدت جنگ رویدادهای آنرا دنبال می‌کند و تقریباً در هر شماره تفسیر خاص و گزارشهای گوناگون درباره آن دارد. صفحه‌ای از روزنامه را هم در سال دوازدهم (۱۹۰۴-۵) در هر شماره به یک دوره بررسی و گزارش زیر عنوان «تاریخ حرب ژاپن» و درباره سازمان و نظام و آموزش و اداره ارتش ژاپن اختصاص داده است. در این بررسی، سازمان وزارت جنگ، واحدهای نظامی و صنوف آن، اسلحه و مهمات جنگی، سربازان و افسران و آموزش آنها، تدارکات، حمل و نقل و دیگر امور دفاعی و نظامی با آوردن ارقام و آمار شرح داده می‌شود. بررسی‌هایی که درباره این جنگ و موقع دو طرف و تدبیرها و تدارکات و عملیات آنها شد،

۲۴- عبدالله سنوفی: شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، کتابفروشی زوار، تهران؛ چاپ سوم، ۱۳۶۰، ص ۸۸-۸۷

\* هدایت درینباره می‌نویسد: «راه آهن منچوری را روس بشرط کشیده است که پس از هشتاد سال مال چین باشد (۲۷ اوت ۱۸۹۶): اگر تا آن زمان چینی باقی بگذارند، راه آهن دیگر از حیز انتفاع افتاده است. بعد از سی و شش سال چین حق دارد راه آهن را بخرد اگر حساب سازی بگذارد.» (سفرنامه نشرق بمکه معظمه...، ص ۲۰)

موجبات زیر را برای شکست افتادن درکار روس برشمرده است: ۱- آشوب و نابسامانی در اداره امور عمومی، ۲- آماده نبودن روسیه برای جنگ، ۳- اختلاف میان سرداران جنگی و ناهماهنگی در فرماندهی، ۴- نخوت بیجای سرداران تزاری و دست کم گرفتن حریف، ۵- کمی سربازان و بی کفایتی افسران بواسطه نقص نظام سربازگیری و آموزش و ترفیع در ارتش ۶- نارسا بودن هزینه اداره عملیات جنگی، ۷- پراکنده بودن نیروی دریایی روسیه میان اروپا، آسیا و خاور دور، ۸- دور بودن به میدان های نبرد و نارسایی ارتباط راه آهن ۹- امتیازی که ژاپن با تسلط بر دریا بدست آورد، ۱۰- ضعف روحیه رزمندگان، ۱۱- ناآرامی درونی روسیه و همراه نبودن ملت با پادشاه و دولت.

هدایت در سفرنامه اش تجربه خود را از آشفتگی و نابسامانی در حکومت تزاری می گوید: «یک ساعت از روز گذشته وارد پرت آرطور شدیم، شنبه سوم شعبان (۲۵ اکتبر ۱۹۰۳). آمیرال (که خانم او با همان قطار سفر می کرد و مسافران ایرانی در واگن خودشان به او جا داده بودند) کالسکه منحصر به فرد پرت آرطور را آورد خانم و دخترش را برد و ابتدا اعتنائی بمان نکرده و معلوم نشد که هیچ کس از ورود اتابک اطلاعی داشته باشد. آلکسیف فرمان فرمای اقصای شرق در پرت نبود و از منزل خبری نیست... ما از مسکو به وزیر خارجه توسل جسته ایم و البته او سفارش کرده است. آمیرال بندر هم ما را دید.»<sup>۲۶</sup>

آماده نبودن روسها برای جنگ نتیجه نابسامانی در دستگاه حکومت تزاری، غرور بیجای زمامداران و فرماندهان روسی و دست کم گرفتن حریف بود. روند جنگ که سرنوشت آن سرانجام با نبرد دریایی تسوشیما و متلاشی شدن ناوگان روسی تعیین شد نیز شکست روسها را توجیه می کند، زیرا که روسیه خود را یک قدرت زمینی می دانست و بحریه قوی نداشت، هرچند که در خشکی هم تقریباً در همه نبردها باخت. این مراتب از جریان اختلاف میان سرداران روس پیداست. جبل المتین درینباره می نویسد: «رأی جنرال کروپاتکن، از آغاز جنگ این بود که خصم را بجانب خود دعوت نماید تا هم دشمن خسته شود وهم از مرکز خویش بدور افتاده تا اندازه ای ضعیف گردد. همین نکته مایه اختلاف رأی بین امیرالبحر «الکس آف» و «جنرال کروپاتکن» گردید- چه «الکس آف» را عقیده این بود که باید بر خصم تاخت و فرصت ترک تازی باو نداد... و این مناقشه و اختلاف رأی بین این دو سردار جلیل القدر تا یک اندازه سبب ضعف قوای بری و بحری دولت روس در اقصای شرق گردید» (۱۷ اکتبر ۱۹۰۴) و نتیجه می گیرد که حکمت عملی کوروپاتکین در میدان جنگ که مدافعه و نزدیک شدن بمركز بود برای دولت روس مناسب تر بود، زیرا که دور بودن صحنه جنگ از مرکز قدرت، بزبان روسها کار می کند: «با این تدابیر و سرعت عملیاتی که ژاپونیان دارند، ولو در هر نقطه منچوریا حتی در «هاربن» روی آورند، از هم بمرکز خود نسبت بروسیان بدرجات شتی نزدیک تراند؛ چه هر نقطه را قشون ژاپون متصرف شده و بهرجانب که رخ آورده راه آهن را همراه برده است.» در همانجا، در تفسیری بر شکست و فرار کوروپاتکین در نبرد لیاوئیانگ می افزاید: «جنرال کروپاتکین در این میدان اندک خطای اجتهادی کرده و زیاده تر در اختیار اصول مدافعه ناچار بوده، اما خطای اجتهادی آن بود که از استمداد خصم کاملاً بی اطلاع... پس از ورود در منچوریا اسباب پیشقدمی خود را در مقابله با خصم مهیا ندید... دولت روس در مقابله خصم تدارکات جنگی خود را کامل ندیده است.» درباره کوروپاتکین و اختلاف او با سردار دیگر روس گفته اند: «کوروپاتکین بیشتر یک بوروکرات بود تا یک فرمانده نظامی... و مرد تصمیم نبود. او برای فرماندهی نیروهای وسیع در زمان

جنگ کاملاً نامساعد بود، و با انتصاب دریادار «الکسیف» (Alexieff) بوسیلهٔ تزار به مقام «نایب-السلطنهٔ خاور دور» بیشتر فلج شد. آلکسیف با کوروپاتکین هیچ خوب نبود و در مقام مافوق او فرصت یافت که در کار جنگ زمینی مداخله کند، و کرد.<sup>۲۷</sup>

جبل‌المتین (۱۷ اکتبر ۱۹۰۴) در تفسیری بر شکست نیروی روسیه در نبرد «یتائی» می‌نویسد: «تا امروز جنرال «کوروپاتکین» اقرار بکمال استعداد در مقابله با خصم ننموده بود، ولی در آن اعلانی که رسماً در پترسبرگ اشاعت داده اقرار می‌کند براینکه تدارکات جنگی کافی و اینک وقت آن رسیده که ابواب فتوحات بروی ما باز گردد. اشاعت آن اعلان پس از چنین شکست بین دیدن ابواب معاذیر را بروی او بسته... ثابت نمود استعداد ژاپونیان را چه در حملهٔ بر خصم و چه مدافعه از دشمن و برعکس محقق ساخت که هیچ یک از این دو قابلیت در مقابل ژاپونیان در جنرال کوروپاتکین موجود نیست...»

کوروپاتکین در کتاب خاطراتش به دفاع از خود برآمده و نوشته است: «در روزنامه‌های روسیه و هم خارجه مقاله‌های متعدد آمده است که در آن فرماندهٔ کل نیروها متهم به نداشتن عزم و قاطعیت در اداره کردن جنگهای متعدد شده است... تعبیر و تفسیر دربارهٔ این بی‌تصمیمی و تغییر مکرر فرامین جنگی چنان زیاد بوده که این عقیده را رایج ساخته است که این کوروپاتکین بوده، و نه دیگری، که نگذاشته است که ارتش و فرماندهان نیروها دشمن را شکست دهند. سه جلد اول کتاب من به این اتهام پاسخ می‌دهد و می‌گوید که چه کوشش عظیمی باید می‌کردیم تا کار ازین بدتر نشود... من هرگز از کسانى نبوده‌ام که عقیده دارند که فرمان را پس از آنکه صادر شد نباید عوض یا اصلاح کرد.»<sup>۲۸</sup> در واقع هم کوروپاتکین با آنکه نام فرماندهٔ عالی را داشت، مدت‌ها فرماندهٔ اول نبود. او از روزی که به لیافویانگ وارد شد تا ۲۵ اکتبر ۱۹۰۴ تابع و دستیار افسری بود بنام آلکسیف که بعنوان نایب السلطنه منصوب شده و ستادش دور از جبهه، در هاربین، بود.<sup>۲۹</sup>

نارسایپهای دیگر هم بود. کوروپاتکین در جای دیگری از کتاب خود می‌نویسد: «علت اصلی و اماندگی نظامی ما کافی نبودن وجوهی بود که خزانه‌داری می‌داد.»<sup>۳۰</sup>

سربازان روس به داشتن اندام ورزیده و تحمل زیاد مشهور بودند، اما بواسطهٔ کمی هوش و آموزش، ابتکار عمل نداشتند. ترفیع افسران هم بر پایهٔ اصول و ضابطه نبود و در نتیجه، افسران تنبل و نالایق ترقی کردند.<sup>۳۱</sup> کوروپاتکین خود می‌گوید: «در جریان جنگ‌های گذشته، در ۵۵-۱۸۵۳ (جنگ کریمه) و ۷۸-۱۸۷۷ (جنگ با ترکها) خوب روشن شد که افسران ارشد ما برای کار در احوال جدید و پیچیده آماده نیستند... ضعیف‌ترین افسران، ژنرالها بودند.»<sup>۳۲</sup> جبل‌المتین (۲۲ ژانویه ۱۹۰۵) خود کوروپاتکین\* را نمونهٔ ژنرالهایی می‌گیرد که او وصف می‌کند، و در تفسیر یکی از شکست‌هایش می‌نویسد: «با اینکه در این عصر اختیار نقشهٔ جنگ را بدست یک وزیر جنگ

27- J.N. Westwood; Russo- Japanese War (Sidguich & Jackson, NY., 1973), p. 28.

28- Kuropatkin (General); The Russian Army and the Japanese War; A.B. Lidsay (tr.), E.D. Swinton (ed.) (Hyperion Press, Westport, 1977), p. 81.

۲۹- نگاه کنید به مقدمهٔ مترجم بر کتاب Kuropatkin ص ۱۹

30- Kuropatkin, vol. 1, p. 143.

31- Westwood, p. 28.

32- Kuropatkin, vol. 1, p. 101.

\* کوروپاتکین که سالهای بسیار از خدمت نظامی خود را به مبارزه با ترکمن‌ها گذرانده بود، پیش از جنگ روس و ژاپن سفارت‌گیری فوق‌العاده به تهران هم آمده بود و عبدالله مستوفی شرح سفر او را در بیان وقایع شعبان ۱۳۱۲ (۱۸۹۵ م) آورده است (شرح زندگانی من...، ج ۱، ص ۹-۵۰۸).

نسپرده‌اند، ولی از آدمی مانده «قره پاتکین» این نقشه کشی بعید نیست، زیرا غیر از اینکه بگیریبند و بکش درسی نخوانده، خاصه کبر و... این سخن اشاره ملیحی به احوال ایران در آن روزگار دارد، اما کینه از فشار استبداد روس و ضابطان این سیاست در داخل و خارج آنکشور را نیز نشان می‌دهد. همین روزنامه در مقاله سیاسی خود در شماره ۲۷ فوریه ۱۹۰۵ پس از سقوط پرت آرتور کار جنگ را یکسره می‌داند: «مسلم گردید که روس را در شرق الشرق تاب مقابله با چنین خصمی جسور نیست... بندر، آرتر، کلید منچوریا و منچوریا مفتاح فتوحات چین در کلیه ممالک فرزند آسمان است...» نویسنده «شرح زندگانی من» خاطره‌اش را از حال و هوای روزهای پایان جنگ در پایتخت تزاری و سرانجام کوروپاتکین چنین شرح می‌دهد: «هیچ جا فتחי نصیب روسها نمی‌شود. کوروپاتکین، سرکرده بانخبتر روس تزاری، مثل یکی از افراد دلشکسته و کله خورده، در گوشه خانه افتاده، جز گاهی در دکان موله سلمانی، در هیچ محفل و مجلسی دیده نمی‌شود. در این آرایشگاه هم اگر کسی از افسرها باو بربخورد و احترامی بعمل آورد، از راه احترام ارشدی و لباس نظامی است. خود او هم، مانند برزو، شمر تزیه حسام السلطنه، پشم و پیلش ریخته، با سیل‌های آویزان بسیار سرافکنده است.»<sup>۳۳</sup>

حبل‌المتین در شماره ۱۳ مارس ۱۹۰۵ متن مناظره جالبی میان کوروپاتکین و کرین برگ، در بدو ورود این دومی به مقر فرماندهی و پیش از نبرد مکنن را بنقل از روزنامه فیگارو آورده است که تفرعن سردار تازه از راه رسیده روس را نسبت به ژاپنی‌ها نشان می‌دهد. و اعتراض او را به کوروپاتکین که چرا: «ده ماه کامل در مقابل جماعتی نیم وحشی معطل و بدین سبب نام دولت روس پست گردد»، و پاسخ می‌شود که «... ندامت من از سخنان بی‌اطلاعانه که در ابتدای حرکت خود مانند امروز شما درین موضوع زده بودم بیشتر است از ندامتی که درین جنگهای مختلف و شکستهای پی در پی حاصل نموده‌ام.» کرین برگ باز با خنده استهزاء آمیز می‌گوید: «مرا شگفت می‌آید که مثنی مردمان زرد چرده کوچک جئه تنگ چشم دهن گشاد بی تربیت را چه تصور فرموده که بدین پایه مصدق شجاعت و معرفت علم و دانش آنها شده‌اند: و کوروپاتکین حرف آخر را می‌زند که «با این استعداد که از ژاپونیان دیده‌ام ما را مهاجمه نشاید... دولت روس با یک میلیون و نیم قشون که مهماتش تمام کامل باشد باید حمله بر خصم نماید... استعداد ژاپون بیش از آن است که ما تصور کرده بودیم.» کرین برگ می‌گوید: «جواب این سخنان را پانزده روز بعد خواهم داد، یعنی پس از آنکه ژاپونیان را شکست دادم.» حبل‌المتین می‌افزاید: «این بود که از گرد راه رسیده مصمم حمله بر خصم شد» و از بدو ورود بین این دو سپهسالار نقار واقع شده. و سپس به ملت ایران هشدار می‌دهد که «فریب تمدن و

\* \* \* سرنوشت این سردار روس را می‌توان در برابر پایان کار «نوگی» دریاسالار ژاپنی نهاد: پس از جنگ جانانه در پرت آرتور و تسلیم شدن دشمن، نوگی فرمانده فرای روس، استل، را پذیرفت و به او اجازه داد که شمشیر ببندد و در پایه مساری با او دیدار کند. او از استل برای دفاع جانانه‌اش تحسین کرد و سردار روس شجاعت نیروهای ژاپنی را ستود و نیز گفته شدن دو پسر نوگی را در جنگ تسلیت گفت و خواست تا اسب سفیدش را به او پیشکش کند. نوگی آنرا پذیرفت و تقدیم امپراتور کرد. نوگی چون بازگشت و به خاک میهن قدم گذاشت گفت که دوست دارد صورتش را با کلاه حمیری بپوشد و نمی‌خواهد چنان فهرمانی باشد که در باره‌اش این مثل آمده است که «هزاران سرباز می‌میرند تا سرداری را فهران و نامور سازند.»

از آن پس، نوگی زندگی را هرچه کمتر ارزش می‌نهاد. در سال ۱۹۱۲ که امپراتور میجی درگذشت و در روز بغاكت سپردن او، نوگی در خانه‌اش در توکیو بشیره سامورایی خودکشی (سپاکو یا هاراگیری) کرد، و به تیغ او همسرش نیز را سربازی نمونه دانسته و به داشتن روح و جوهر سامورایی (بوشیدو یا آئین سلحشوری) ستوده‌اند و همسرش نیز زنی شایسته و برازنده بانویی یک سرباز و سردار با فضیلت بود. (هاشم رجب زاده، تاریخ ژاپن...، ص ۲۳۴، پانویس).

قانون و علوم و نوعدوستی متمدنین جدید را نخورند.»

همان روزنامه در شماره ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۵ در تفسیری زیر عنوان «مکتوب یکی از دانایان» روسها را نکوهش می‌کند که رجز می‌خوانند و، در برابر ژاپنی‌ها که مرد عملند، «... روسها چه کرده و می‌کنند؟ از ابتدای جنگ تا یومنا هذا دست بسته و زبان گشادند- در اوایل از بی‌تریبی و بی‌ادبی ژاپونیا چها گفتند... روسها فرار را رجعت نام نهاده و رجعت منظم را قریب بظفر (اشاره به عقب‌نشینی منظم نیروهای کوروپاتکین از لیاویانگ) - غلغله در عالم انداختند - تا امروز هزار و ششصد توپ ژاپون از روسها گرفته یکبار به توکیو خبر دادند، ولی روسها روزی چهار توپ از ژاپون گرفتند یکماه تمام نوشتند... امروز هرچه شنیدیم ژاپونها کردند، گرفتند، رفتند، برعکس هرچه خواندیم روسها خواهند کرد، خواهند گرفت، خواهند رفت...»

سواى آماده نبودن نیروی زمینی روس و کمبودتدارکات و عده این نیروها و دشواری در رساندن آنها به جبهه‌های نبرد، روسها، چنانکه از منابع برمی‌آید، در دریا نیز برتری شایانی نداشتند. بحریه ژاپن شش رزمناو پیشرفته و شش نبرد ناو کوچک داشت. نیروی دریایی روسیه خیلی بزرگتر بود، اما واحدهای آن میان بالتیک و دریای سیاه و خاور دور تقسیم شده بود. ژاپنی‌ها جنگ را بموقع آغاز کرده بودند، زیرا که اگر یکسال می‌گذشت روسها شاید دوازده کشتی یا بیشتر که در آن هنگام در دست ساخت بود، در پرت آرتور می‌داشتند. روسیه و ژاپن هیچکدام زیردریایی نداشتند، اما هرکدام برای گمان بود که دیگری دارد.<sup>۳۴</sup>

جدا از شرح نارسائی‌ها در تجهیز برای جنگ، کوروپاتکین در یادداشت‌هایش بارها از نبودن نظام درست در ترفیع و آموزش افسران می‌گوید و شکایت دارد که در تعیین فرماندهان و ترقی افسران، «رابطه» حکومت دارد نه «ضابطه»، و در نتیجه در صفوف ارتش کارآئی و شجاعت کمتر دیده می‌شود: «مدال و نشان بیش از اندازه داده می‌شود.»<sup>۳۵</sup> و «وزارت جنگ، افسرانی را که از اسارت ژاپن به روسیه برمی‌گشتند، حتی فرمانده هنگ می‌کرد، حال آنکه همه کسانی را که زخمی نشده‌اند و تسلیم می‌شوند باید در دادگاه نظامی محاکمه کرد که چرا تا آخرین نفس نجنگیده‌اند.» و باز «موارد بسیاری دیده شد که افسران و نیز سربازان (بستری در بیمارستانها) تمارض کرده بودند.»<sup>۳۶</sup> حیل‌المتمین در شماره ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۵ از رفتار ناهنجار افسران روس در بیمارستانها نقل می‌کند که «زنانی که در بیمارخانه خدمت می‌کنند راهبه و یا مرحمه نامند... از بی‌ادبی و بی‌میزگی افسران زخم‌دار روس ترک خدمت کردند - در ژاپون کسی ازین قبیل سخن بیجا نشنیده بلکه باسم خواهری یاد و تذکار می‌کنند.» هدایت که چند هفته پیش از آغاز جنگ روس و ژاپن سراسر خاک روسیه و منچوری را با قطار پیموده، روحیه نازل نظامیان روس را از آنچه که خود دیده است قیاس می‌کند: «امروز که روز هشتم اکبر روسی است روزی است که بموجب التیام‌وم ژاپن روسها باید منشوری را تخلیه کنند (قدری مضحک بنظر می‌آید). دو نفر صاحب منصب جوان روسی که تازه از مدرسه بیرون آمده‌اند بما ملحق شده‌اند و به پرت آرتور می‌روند... یکی از آنها فرانسه می‌داند، گاه در منازل خبری باشد برای اتابک می‌آورد و خیر مهم خیر جنگ ژاپن است چون خیر منفی باشد نشاطی دارند. قریب بظهر به خاربین رسیدیم... رفقای نظامی شادمان خبر آوردند که جنگ موقوف شد... یک شنبه ۴ شعبان است صبح زود بیدار شدیم... ایس که از رفقای راه است سراغ ما آمد و اظهار ملالت کرد و گفت خیر

34- Westwood, p. 26.

35- Kuropatkin, vol.2, p. 174.

موقوف شدن جنگ مورد تردید شده است.<sup>۳۷</sup>

در سخن از روحیه سربازان، کوروپاتکین می‌گوید: «بطور کلی طرفی در جنگ پیروز می‌شود که کمتر از مرگ بترسد. در جنگهای گذشته هم ما آمادگی نداشتیم و در جنگهای گذشته هم اشتباهایی کردیم: اما از آنجا که برتری روحیه با ما بود، چنانکه در جنگهایمان با سوئدیها، فرانسویها، ترکها... ما پیروز بودیم. در جنگ اخیر... قوت روحیه ما از ژاپنی‌ها کمتر بود و همین شکست ما را موجب شد.»<sup>۳۸</sup>

عبدالله مستوفی که در این هنگام در پایتخت روسیه مأمور بوده، درباره این روزها نوشته است: «در رستوران و قهوه‌خانه‌های موزیک‌دار، قطعه خداحافظی بوطن، با نغمه محزونی که سازنده قطعه به آن داده است، رواجی دارد. در دیوار مغازه‌ها از باسمه‌های رنگ و روغنی که در آن حالت خانواده‌های روسی را در موقع عزیمت جوان خانواده بمیدان جنگ نمایش می‌دهد، پوشیده است.»<sup>۳۹</sup> افسردگی و دلمردگی از حال و هوای تبلیغات بسیج سربازان پیداست.

ضعف روحیه و نداشتن شور و شوق برای جنگ منحصر به نظامیان نبود. بی‌تفاوتی مردم، حتی ضدیت آنها با حکومت در این هنگامه زیانبارتر است. حبل‌المتین در ۲۷ فوریه ۱۹۰۵ می‌نویسد: «بالا تر از همه جسارت ملت و اغتشاشات اندرونی روس است که در متن واقع در چنین موقع کمر دولت را دوتا نمود - درحالی که خصم قوی پنجه مانند شیر ژیان از هر طرف روی آورده رجال دولت مشارالیه را مغبوط الحواس ساخته است - این اغتشاشات اندرونی نیز پیش آمده است که دولت از تهیه و تدارک مقابله خصم بازمانده نتواند باز دوی خود هیچگونه کمک رساند...»

حبل‌المتین در ۱۴ اوت ۱۹۰۵ در تفسیری بر شکست‌های پی در پی روسها از ژاپونیان به دولت روسیه توصیه می‌کند که «بهر نحوی که تواند این جنگ را به ختام رساند» و مایه اصلی شکست را نابسامانی کار اداره مملکت، و این را از استبداد و بیعدالتی می‌داند: «قوت و عزت و حشمت به فزونی لشکر نیست. فریب وزرای کم عقل و پرطمع را نباید خورد... (دولت روس) بعد از فراغت (از جنگ) مملکت‌داری ژاپون را سرمشق خود سازد: عدالت را بان درجه رساند تا ترقی او بدان درجه رسد.»

همان روزنامه در ۱۷ اکتبر ۱۹۰۴، در میانه جنگ، در اعجاز همراهی و همدلی ملت با مساعی دولت نوشت: «قوة مالیه ژاپن در داخله خود و استعداد ملت در همراهی بدولت تا اندازه‌ای ثابت می‌نماید که ملت ژاپون هرگز دولت خود را به خویش واگذار نخواهند نمود... و هنوز اعتبار ژاپون در اروپا و امریکا بنیایه‌ای است که در حصول قرض هیچگاه متردد و در مانده نشده... دولت روس نیز در تدارک قرضه جدیدی از خارجه است و تاکنون مقضی المرام نگردیده...» این درحالی بود که با ملاحظه استعدادهای و منابع طبیعی سرشار و درآمد ملی سالانه‌ای نزدیک به ده برابر ژاپن (روسیه ۲۸ و ژاپن ۲۵ میلیون لیره)، در آغاز جنگ تصور می‌رفت که دولت روسیه در شرایط مساوی آسانتر از ژاپن می‌تواند برای مصارف جنگی خود از خارج قرض بگیرد.<sup>۴۰</sup> در این زمینه دو نکته که کوروپاتکین در یادداشت‌های خود یاد کرده، جالب است، یکی لزوم

۳۷- هدایت، سفرنامه...، ص ۲۳-۲۰.

۳۹- عبدالله مستوفی، ۲: ۱۳۴.

حمایت مادی و معنوی همه ملت از یک جنگ میهنی: «کافی نیست که همه رده‌های ارتش سرشار از روح جنگیدن تا حصول پیروزی باشند؛ باید که همه ملت چنین احساسی داشته باشند و با همه امکان و توان خود به تلاش مقدسی که ارتش درکار آنست، یاری دهند.»<sup>۴۱</sup> دیگر، ریشه و مایه ضعف روحیه رزمندگان، با این شناخت که «وضع ارتش هم تابع وضع کلی کشور است: اینها هم از همین مردمند...»<sup>۴۲</sup> بقول حبل‌المتین: «خساره‌ای که در این جنگ از ملت جاهل بدولت روس وارد گردید از خسارات وارده خصم برتر و بالاتر است...»\* (شماره ۲۷ فوریه ۱۹۰۵)

دنباله دارد

41- Kurpostkin, vol. 2, p. 176.

۴۲- همانجا، ص ۹۹.

\* کورپاتکین فرمانده عالی روسیه در جنگ با ژاپن در پایان کتابش که پس از جنگ منتشر شد، موجهات ناکامی روسیه را چنین جمع‌بندی کرده است: «رویدادهایی را که در سالهای ۵-۱۹۰۴ در خاور دور بوقوع پیوست می‌توان باعتبار اهمیت تاریخی و عظمت آن برای روسیه و برای جهان، در شمار وقایعی نهاد که روسیه در سالهای نخست قرنهای هیجده و نوزده تجربه کرد. در مبارزه با چارلز دوازدهم (Charles XII) و ناپلئون مردم روسیه با تزار همراه بودند، دلیرانه همه آزمونهای دشوار را تحمل و جاننایزها کردند، به ارتش نیرو و اعتلا دادند، با ارتش به مهربانی رفتار کردند، به آن عقیده داشتند و خیر و پیروزی آنرا می‌خواستند، و به ارتش برای عملیات شگرفش از ته دل احترام می‌گذاشتند. مردم ضرورت موفق شدن را دریافته بودند، در هیچگونه فداکاری تردید به خورد راه نمی‌دادند، و از طول زمان برای رسیدن به پیروزی خسته نمی‌شدند پس، مساهی هماهنگی تزار و مردم برابمان پیروزی مسلم آورد. راه پیروزی در زمان حاضر همان است که نیاکان ما در نخستین سالهای دو قرن گذشته رفتند.

اگر روسیه نیرومند، برهبري تزار، آنگنده از اراده‌ای شجاعانه و سرسخت و بیکراه برای شکست دادن ژاپن‌ها بود، و از فداکارها و زمان و فرصت لازم برای حفظ تمامیت و شأن روسیه دریغ نکرده بود، پیشگرمی اعتماد و اراده فرمانروایش و مردم ممدل و متحد، تا در هم شکستن دشمن می‌جنگید.

